

معماری جهان اسلام

بعد از ایران - جلد دوم

ترجمه و تألیف

بهاره رضایی جعفری

شهره علی بفتشی

انتشارات طمان

ناشر تخصصی معماری و شهرسازی

- سرشناسه : هواگ، جان Hoag, John D.
 عنوان و نام پدیدآور : معماری جهان اسلام/ جان‌دی. هوگ : ترجمه بهاره رضایی‌جعفری، شهره علی‌بخشی.
 مشخصات نشر : تهران: طحان: هله، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری : ج۲: مصور (بخشی رنگی).
 شابک : دوره: 3-44-2932-964-978 ; ج. ۱: 9-42-2932-964-978 ; ج۲: 964-2932-978-۶۴۳-۲۹۳۲۹۳۲۹۳۲
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : عنوان اصلی: Islamic architecture , 2004 , c1973
 مندرجات : ج. ۱. قبل از ایران . ج. ۲. بعد از ایران.
 موضوع : معماری اسلامی
 شناسه افزوده : رضایی جعفری، بهاره، ۱۳۵۷ - ، مترجم
 شناسه افزوده : علی‌بخشی، شهره، ۱۳۶۰ - ، مترجم
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۰ ۶م۹ه/۳۸۰NA
 رده بندی دیویی : ۳/۷۳۳
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۵۰۷۳۳۲

معماری جهان اسلام بعد از ایران - جلد دوم

ترجمه و تألیف: بهاره رضایی جعفری - شهره علی‌بخشی

ناشر : طحان

مدیر تولید : ابوالفضل چلاغلو

طراح جلد: مریم آزاد

چاپ : طرح و نقش

صحافی : نوین

لیتوگرافی : آرمانسا

نوبت چاپ : اول ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

شابک : ۶-۴۳-۲۹۳۲-۹۶۴-۹۷۸

شابک دوره: ۳-۴۴-۲۹۳۲-۹۶۴-۹۷۸

قیمت : ۸۷۰۰ تومان



www.tahan-pub.com

تلفن‌های مرکز بخش انتشارات طحان : ۶۶۴۰۳۱۹۱ - ۶۶۴۰۳۲۰۸ - ۰۲۱
 فاکس: ۶۶۹۶۷۰۵۹ شماره همراه: ۰۹۱۲۱۹۸۵۶۱۷

مقدمه

اگر معماری اسلامی در خصوص ساختمان‌های ساخته شده توسط پیروان حضرت محمد (ص) بین قرن هفتم و هشتم یا نهم تفسیر شود، در ابتدا در هر جایی که وی دین را برپا کرد و آن را اسلامی یا مسلمان نامید، اختلاف آشکاری مشاهده می‌شود. مصالح از سنگ تا آجر پخته شده و نیز آجر پخته نشده تا چوب متغیر بودند و روش‌های ساخت از ساخت ساده تا روکشی از سنگ تراشیده بر روی بتن و آجر پخته شده، تا روکشی از آجر پخته شده بر روی خشت خام، متعدد بودند. در ابتدا به نظر می‌رسد که این طرح‌ها از بسیاری از اشکال تبعیت می‌کنند و مردمی وجود داشته‌اند که اسلام را در این دوره دوازده هزار ساله یا بیش‌تر پذیرفته‌اند. بعد از بررسی همه این عوامل مختلف، پیدایش اصول یک‌پارچه مشخص در این‌جا شناسایی می‌شود.

ممکن است اولین اصل به عنوان اصل بقای اصول معماری قدیمی در شیوه‌ای مهم‌تر از اصول باقی‌مانده در غرب حداقل بعد از امپراطوری کارولینگ^۱ شرح داده شود. به نظر می‌رسد تا قرن یازدهم دومنطقه مهم وجود داشته است که در آن‌ها اشکال قدیمی که شامل طرح‌ها و روش‌های ساخت می‌شوند، در معماری اسلامی پذیرفته شده‌اند. اولین منطقه متشکل از جنوب غربی آناتولی در همسایگی آنتیوخ^۲، شمال سوریه که شامل مناطقی در اطراف دمشق و روسافا می‌شد، فلسطین که در اطراف بیت‌المقدس قرار داشت و ویرانه‌هایی در عمان که در یونان به عنوان فیلادلفیا شناخته شده است و گراسا در جردن امروزی است. این منطقه از طرف جنوب غربی تا مصر امتداد یافته و از غرب تا شمال آفریقا امتداد یافته است که شامل سواحل لیبی و اکثر بخش‌های تونس به ویژه کایروان است. در مغرب برخی مراکز قدیمی باقی‌مانده مانند تاموگادی (تیمگاد جدید در الجزایر) و والوبیلیس^۳ (در شمال آفریقا) ممکن است بر مهندسان اسلامی تأثیر بگذارند، اما بسیاری از این مراکز از بین رفته‌اند و مشخص نیستند. به نظر می‌رسد معماری ویزیگوتیک اسپانیا که ظرافت چندانی ندارد، تأثیراتی داشته است و چون تمام این منطقه تحت سلطه روم و بعدها بیزانس بوده است، در اکثر موارد معتبر و با ارزش از لحاظ اقتصادی باقی‌مانده است تا قوانین جدید اسلامی را با سنگ‌کاران، معرق‌کاران و دیگر استادکاران ماهر فراهم سازد.

^۱ - Carolingian

^۲ - Antioch

^۳ - Volubilis

منطقه دوم که در آن اکثر ایده‌ها و نظرات اولیه معماری اسلامی مشتق می‌شود، بین‌النهرین است که سرزمین قدیمی رودخانه‌های دوقلو - دجله و فرات - می‌باشد. در این جا و در سرزمین ایران، حداقل از زمان نئوبابلیمان، علی‌رغم موج‌های متوالی یونان‌مداری و تأثیرات بعدی روم، بسیاری از رونق‌ها و اشکال قدیمی باقی مانده‌اند، مسلمانان این‌ها را از امپراطوری ساسانی به ارث برده‌اند که به صورت مستقل و مخالف با روم و وارثان بیزانسش باقی مانده بود. ممکن است این تحقیق برای مناطق معماری اسلامی از شرق تا آن چه که هم اکنون افغانستان، پاکستان و هند است، انجام شود، اما ایده‌های ایرانیان که با ساسانیان و پیشینیانشان اشاعه یافته است، در این مناطق نفوذ کرده است. در این جا نیازی به بررسی معماری هند و اسلامی نیست، چون این به دوره بعد از قرن یازدهم برمی‌گردد.

از هر دو منطقه مثال‌های خاصی از آثار باقی‌مانده در بخش‌های مربوطه نقل شده است. مثال خوب این بحث باغ مشهور فردوس می‌باشد. یک مسیر مربع شکل آبیاری شده که از طریق مسیرهای مرتفع شده به چهاربخش مساوی تقسیم شده است و مرتبط با تانک‌های متقارن و شعاعی آب است که در بالای این باغ قرار گرفته‌اند. دو تا از این باغ‌ها که طرح‌هایشان هنوز منتشر نشده است، در سال ۹۵۰ میلادی در طول خلافت کوردوبان در زیر قصر در مدینه‌الزهرا در اسپانیا طراحی شده‌اند. تقریباً همه عناصر آن‌ها را که به صورت آزادانه چیده شده‌اند، می‌توان در باغ‌های پمپئی روم باستان و باغ‌های هرکولانیوم^۱ یافت. جایی که یک استخر صلیبی شکل در بالا قرار گرفته است که شاخه‌های متقاطع دارد و در پایان هر شاخه استخرهای متقاطع دارد. به هر حال چون این نمونه‌ها در زمین لرزه سال ۷۹ میلادی خراب شده‌اند، فردی باید به دنبال پیشینه مستقیمی برای مدل‌های اسلامی باشد. پیدا کردن این‌ها در باغ‌های ولوبیلیس سخت نیست. به نظر می‌رسد خانه‌های ویلایی قدیمی یا بیزانس در نزدیکی دمشق یا در کرانه‌های فلسطین الگوهایی را برای بنی‌امیه فراهم کرده است که آن‌ها نیز به نوبه خود این تأثیرات را به اسپانیا برده‌اند، نظریه چهارباغ یا باغ چهاربخشی به عنوان نشانه‌ای از بهشت و پیدایش باغ‌های فردوس ساسانی در ایران پذیرفته شده‌اند. تکثیر گسترده چنین باغ‌هایی در سراسر جهان اسلام، ارتباط مستمر آن‌ها با بهشت موعود و حتی کاربرد آن‌ها در آرامگاه‌هایی مانند آرامگاه همایون در دهلی و تاج‌محل در آگرا را می‌توان به عنوان آثار باقی‌مانده از قرن سوم پیش از میلاد دانست. چنین انسجامی را در هیچ‌یک از جنبه‌های معماری غرب اروپا نمی‌توان مشاهده کرد.

نشان دادن آثار باقی‌مانده در معماری اسلامی بین‌النهرین باستان و اشکال ایرانی تا اندازه‌ای مشکل است. به نظر می‌رسد سالن نمازگزاران ستون‌دار مسجد سنت آپادانای هخامنشی ایرانیان را ادامه می‌دهد، به هر حال چنین مساجدی که در کوفه و واسط در منطقه مرکزی بین‌النهرین تأسیس شده‌اند، ممکن است بیش‌تر مدیون تغییر شکل میدان یونان به شکل تالار مربعی ستون‌دار با سالن دراز و مستطیلی مجاور باشد. دروازه ایشتار بابل قدیم با اشکال حیوانات و جانوران عجیب و قالب‌های بزرگ کاشی از اطاق پادشاهی نبوچادنزار^۲ که اکنون هر دو در موزه استاتلیچ برلین قرار دارند، مثال‌های مهمی هستند. اگر این روش برای قرن‌ها بدون اهمیت باقی بماند یا هنوز مواردی از چنین تزئینی برای از بین بردن اختلافات پیدا نشده است، علتش این است که بعد از سقوط امپراطوری هخامنشی تا شکوفایی مجددش در قرن دوازدهم در مراغه، ناپدید شد. از آن زمان به بعد تزئینات کاشی‌کاری به تدریج به عامل اصلی در طراحی معماری اسلامی تبدیل شد. این

^۱ -Herculaneum

^۲ - Nebuchadnezzar

بیش‌تر برای عمارت‌های سنگ‌کاری شده به کار می‌رفت، اگرچه در چنین مواردی این امر معمولاً برای تزئین بخش‌های داخلی نیز به کار می‌رفت. به هر حال در تمامی کشورهای که ساختمان‌ها را با آجر پخته یا نپخته - همه روش‌های بین‌النهرینی - می‌ساختند، تزئین ساختمان با کاشی براق شکوفا شد: از هند تا ساحل اقیانوس اطلس، ممکن است به شاهکارهایی چون مسجد امام در اصفهان، مسجد وزیرخان در لاهور، بسیاری از آثار تاریخی مراکشی و اسپانیایی قرن چهاردهم نیز اشاره شود.

پیشنهاد شده است که بقایای شکل و شاید معنی بسیاری از عناصر قدیمی طراحی، بیش‌تر در معماری اسلامی است تا معماری غرب اروپا و این امر ممکن است روش مؤثری را برای درک معماری اسلامی فراهم سازد، باید روشی ایجاد شود که این موضوع گسترده را به شیوه‌ای معنی‌دار شرح دهد. به نظر می‌رسد اعمال اصول ویژه معماری اسلامی به کار برده شده در مطالعات راجع به فرهنگ‌های بالای دنیای جدید سودمند باشد. اولی روش کلاسیک یا سازنده است که معادل با روش الگ‌گربار^۱ است، همان‌طور که در کار اخیرش یعنی تشکیل هنر اسلامی تعریف شده است که شامل معماری خلافت بنی‌امیه و معماری عباسیان تا سال ۱۱۰۰ بعد از میلاد می‌شود. همان‌گونه که معماری در اسپانیا و در دوران خلافت کوردوبان تا پیروزی الموراوید^۲ در سال ۱۰۸۶ نیز براساس این معیارها قرار داشت. در ایران و شرق، دوره تعیین‌کننده و سازنده شامل معماری سامانی‌ها و غزنویان می‌شد که تنها با تکمیل معماری سلجوقیان در چهار سال آخر قرن یازدهم پایان یافت، این دوره از طریق به کارگیری سریع و فعال اشکال و روش‌های مختلف از زمان قبل از اسلام مشخص شده است. به هر حال به نظر می‌رسد که همگونی هرگز اتفاق نیفتاده باشد. اگرچه اکثر تزئینات بخش‌های خودشان را ایجاد می‌کرده‌اند، برای مثال طاق‌ها در ساختاری واحد ممکن است در طاق یک قوسی یا طاق‌های نعل اسبی شکل متغیر باشند، اگرچه بدون هیچ‌گونه تلاشی در ایجاد همگونی مشخص شده‌اند.

معماری کلاسیک و معماری اسلامی با پخش و انتشار مقرنس در سراسر اسلام مقارن بودند که این پدیده در جای دیگر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در این‌جا لازم به ذکر است که اگرچه این امر در ایران در دوران قبل از معماری کلاسیک رخ داده است، اما انتشار سریع آن در پایان قرن یازدهم اتفاق افتاد و همراه با استفاده جهانی از طاق چه به صورت نعل اسبی شکل در اسپانیا و ایالت آفریقا و چه به صورت ساده بود. ایجاد مرحله کلاسیک مقارن با حکومت الموراوید در شمال آفریقا و اسپانیا و در اواخر دوران حکومت فاطمی‌ها در مصر و زنگیون و فاتحان آن یعنی ایوبی‌ها در سوریه و مصر بود. در ایران سلجوقیان سبک کلاسیک را کامل کردند و خویشاوندان آن‌ها در آناتولی از طریق پیروزی‌های بیزانس، آن را به این‌جا آوردند. غوری‌های افغانستان اشکال کلاسیک سلجوقیان را به هند بردند، اما شرایط خاص در آن کشور موجب تغییرات آن اشکال شد.

در سراسر دوره‌های کلاسیک و غیرکلاسیک، علی‌رغم اختلاف نظرهای عقیدتی و پادشاهی، روش‌ها و ایده‌های رسمی به طور آزادانه از یک منطقه اسلام به مناطق دیگر منتشر شدند. تزئینات سنگ‌کاری سوریه در مصر و آناتولی توسعه یافت، در حالی که روش‌های تزئینی با موزائیک و بعدها تزئینات با موزائیک‌های نقاشی شده در سراسر اسلام ایجاد شدند. تبدیل طرح تزئینی از یک ماده به ماده دیگر و گاهی اوقات

^۱ - Oleg Grabar

^۲ - Almoravid

بازگشت مجدد به ماده اول بسیار رایج بود، برای مثال قرض گرفتن اشکال گچبری خارجی برای تزئینات سنگی در دوره سلجوقی یا جا به جایی بین گچبری و چوب تراشیده شده در مراکش را می‌توان برشمرد. در هند، سنگ‌کاران، نه تنها از گچبری و نقش و نگارهای آجر، بلکه از معماری چوبی هندو نیز الهام گرفته‌اند.

معماری اسلامی کلاسیک به همان شیوه و انتقال نظرات دوره کلاسیک ادامه داد. به هر حال با شروع اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم کاهشی در مقدار تزئینات سطوح یا در اندازه ساخت به وجود آمد. مملوکیان مصر و سوریه اشکال به دست آمده از پیشینیان خود یعنی ایوبی‌ها را در شیوه‌ای مشابه به کار گرفتند. در ایران بعد از انهدام مغولان، ایلخانیان بدون تغییر دادن اشکال اصلی، مقدار تزئینات سلجوقی را کاهش دادند، که این در معماری فاتحان آن‌ها یعنی تیموریان آشکار است.

دوره بعد از دوره کلاسیک، همان‌طور که توسط آفریقایی‌ها شرح داده شده است پیشرفت و توسعه را در دوران تسلط گسترده نظامیان پوشش می‌دهد. به نظر می‌رسد در بین این نظامیان ارتباط بسیار محدودی از نظرات و ایده‌ها وجود دارد. آخرین ابداعات در پیشرفت‌های معماری اسلامی توسط امپراطوری عثمانی بعد از پیروزی قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳، رژیم صفوی در ایران از سال ۱۵۵۰ و سلسله مغول در هند بعد از بازگشت همایون در سال ۱۵۵۵ ایجاد شد. این سه امپراطوری با همه رژیم‌های اسلامی قبلی فرق دارند و هرکدام خودآگاهی خاصی را ایجاد کرده‌اند. هر یک از این سه امپراطوری، اشکال، تزئینات و مصالح معماری موجود و سبک واحد ایجاد شده توسط خودشان را پذیرفته‌اند، در حالی که برای مشکلات مساجد، محل‌های سکونت و آرامگاه‌های قدیمی، راه‌حل‌های خاصی را پیدا می‌کرده‌اند. هر سه امپراطوری برای اختلاف نظرهای پادشاهی از یکدیگر جدا می‌شده‌اند با این وجود مرزهای مجاور را بین خود تقسیم کرده بودند. به هر حال این مجاورت جغرافیایی منجر به تبادلات فرهنگی شد. استادکاران به ایالات هر امپراطوری فرستاده می‌شدند. اما هرگز از میان مرزهای خودشان عبور نمی‌کردند. ممکن است این نتیجه حاصل شود که مغولان به راستی از صفویان ایرانی الهام گرفته بوده‌اند. هنوز در تحقیقی که در مورد هنر آن‌ها صورت گرفته است، به طور ساده بیان شده که هندیان نیز اشکال به ارث گرفته شده از تیموریان را به کار برده‌اند که هر کدام به طور مستقل منتقل شده است.

ممکن است سؤالی در مورد ارزیابی معماری در سراسر مناطق اسلامی ذکر شده در این کتاب ایجاد شود. این مشکل از هافسیده‌های تونس و بخشی از الجزایر بعد از سال ۱۲۲۸ و مراکش بعد از سال ۱۵۱۱ است. در آن‌جا هیچ‌گونه ابداعات معماری جالبی صورت نگرفت. شیوه‌های گذشته با نتایج مکانیکی و پیش پا افتاده تکرار شدند، مانند نتایجی در مملوکیه قاهره، تا این که تقلید از اشکال اروپایی یا موجی از تقلید عثمانی بعد از پیروزی‌های ترک‌ها صورت گرفت. اثر حاضر، در مورد بازگردانی تزئینات قدیمی یا حتی در ایجاد تزئینات جدید در شیوه‌های اولیه در سراسر این مناطق و در سراسر اسلام صورت گرفته است که بیان کامل آن خارج از محدوده این کتاب است.

| | | |
|-----|--|--------------|
| ۱۱ | اوایل معماری اسلامی ایران: سامانیان و غزنویان | فصل اول |
| ۲۱ | معماری اسلامی ایران باستان : سلجوقی‌ها | فصل دوم |
| ۳۹ | معماری اسلامی سوریه و عراق باستان | فصل سوم |
| ۴۹ | معماری اسلامی آناتولی باستان | فصل چهارم |
| ۷۱ | معماری اسلامی آخر باستان: ایلخانیان و تیموریان | فصل پنجم |
| ۹۷ | معماری اسلامی هند باستان | فصل ششم |
| ۱۱۳ | معماری امپراطوری عثمانی | فصل هفتم |
| ۱۲۹ | معماری سلطنت صفوی | فصل هشتم |
| ۱۴۹ | معماری امپراطوری مغول | فصل نهم |
| ۱۷۳ | | منابع و مآخذ |